

طب ایرانی اسلامی

در آینه تاریخ

دکتر محسن وردانی کیوی

استادیار دانشگاه علوم پزشکی گیلان

دکتر رضا منتظر

پزشک محقق در طب ایرانی اسلامی

تهران ۱۳۹۱

فهرست‌نویسی پیش از انتشار (فیپا):

مردانی کیوی، محسن، ۱۳۵۳ - ؛ منتظر، رضا، ۱۳۴۹ -
طب ایرانی اسلامی در آینه تاریخ / محسن مردانی کیوی، رضا منتظر. - تهران: نسل نیکان،
۱۳۹۲.
[۲۶] ص. مصور.

ISBN: 978-964-8143-89-8

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیپا.
کتابنامه: ص. ۲۲۳ - ۲۲۶.

۱. پزشکی ایرانی - تاریخ ۲. پزشکی اسلامی - تاریخ ۳. پزشکی سنتی.
۶۱۰/۹۵۵ ۱۳۹۲ ط ۲/۱۳۷/۸۸۴

۳۰۳۴۳۶۹

کتابخانه ملی ایران

انتشارات نسل نیکان

مردانی کیوی، محسن

منتظر، رضا

طب ایرانی اسلامی در آینه تاریخ

چاپ اول: ۱۳۹۲

شمارگان: ۲۰۰۰ نسخه

حق چاپ محفوظ است.

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۸۱۴۳-۸۹-۸
ISBN: 978-964-8143-89-8

All Rights Reserved
Printed in the Islamic Republic of Iran

پست الکترونیکی نویسندگان:

mardani@gums.ac.ir

dr_rezamontazer@yahoo.com

انتشارات نسل نیکان: شماره مرکز پخش ۶۶۹۲۵۸۱۳

قیمت: ۷۰۰۰ تومان

مسئولیت مطالب درج شده در کتاب به عهده نویسندگان است.

فهرست مطالب

۷	مقدمه مؤلفین
	گفتار اول:
۱۵	چرا آگاهی از تاریخ طب ضروری است؟
	گفتار دوم:
۱۹	تعریف واژه‌ها
	گفتار سوم:
۳۳	آیا مبدأ پیدایش طب، یونان است؟
	گفتار چهارم:
۳۵	طب در ایران پیش از ظهور اسلام
	گفتار پنجم:
۳۷	طب در صدر اسلام و دوران خلافت بنی امیه
	گفتار ششم:
۴۹	طب در دوران خلفای عباسی
	گفتار هفتم:
۵۵	محمد بن زکریای رازی

گفتار هشتم:

۶۵ شیخ الرئيس بوعلی سینا

گفتار نهم:

۷۵ نفوذ طب سنتی ایران در اروپا

گفتار دهم:

۸۱ آیا طب سنتی ایران همان طب یونانی است؟

گفتار یازدهم:

۹۳ گذشته پرافتخار طب در بلاد اسلامی

گفتار دوازدهم:

۱۰۳ جایگزینی طب شیمیایی به جای طب سنتی ایران در اروپا

گفتار سیزدهم:

۱۱۷ سرقت های علمی

گفتار چهاردهم:

۱۴۵ نفوذ و حاکمیت طب رایج در ایران

گفتار پانزدهم:

۱۶۱ شواهد برتری طب سنتی بر طب رایج

گفتار شانزدهم:

۱۷۱ موانع موجود در راه احیاء طب سنتی

گفتار هفدهم:

۱۹۱ تکلیف امروز

۲۰۵ فهرستها

مقدمه مولفین

در آبان ماه ۱۳۸۷ در کنگره ی بین المللی طب سنتی در شهر ساری شرکت کرده بودیم. در این کنگره، اساتید طب سنتی پاکستان نیز حضور داشتند. در آنجا شاهد بحثی داغ بین آنان که از مرکز پزشکی همدرد آمده بودند و جناب آقای دکتر حسن تاجبخش، از اساتید طب سنتی و از چهره های ماندگار کشور بودیم. اساتید پاکستانی به کار بردن واژه ی طب سنتی ایران را نادرست و جعلی می دانستند و هرچه استاد دکتر تاجبخش دلیل می آورد که حکمای ایرانی بودند که طب سنتی را از ورطه ی نابودی نجات داده و آن را با تجارب خویش تکامل بخشیده اند، اساتید پاکستانی زیر بار نمی رفتند. استدلالشان این بود که منشاء پیدایش طب سنتی، یونان است لذا باید آن را یونانی نامید. در واقع استدلال اساتید پاکستانی این بود که چون اطبای سنتی ایران از علوم یونانی تغذیه کرده اند نباید خود را صاحب یک مکتب طبی مستقل بدانند.

این کلام آنان ما را به یاد سخن شهید آیت الله مطهری می اندازد که گفته بود:

«برای اثبات اصالت یک فرهنگ و یک تمدن ضرورتی ندارد که آن فرهنگ از فرهنگها و تمدنهای دیگر بهره نگرفته باشد، بلکه چنین چیزی ممکن نیست. هیچ فرهنگی در جهان نداریم که از فرهنگها و تمدنهای دیگر بهره نگرفته باشد ولی سخن در کیفیت بهره گیری و استفاده است. یک نوع بهره گیری آن است که فرهنگ و تمدن دیگر را بدون هیچ تصرفی در قلمرو خودش قرار دهد. اما نوع دیگر این است که از فرهنگ و تمدن دیگر تغذیه کند یعنی مانند یک موجود زنده آنها را در خود جذب و هضم کند و موجودی تازه بوجود آورد. فرهنگ اسلامی از نوع دوم است، مانند یک سلول زنده رشد کرد و فرهنگهای دیگر را از یونانی و هندی و ایرانی و غیره در خود جذب کرد و بصورت موجودی جدید با چهره و سیمائی مخصوص به خود ظهور و بروز کرد»

اینجا بود که برای اولین بار با این واقعیت تلخ مواجه شدیم که طب سنتی ایران خودش در خارج از مرزهای ما وجود دارد اما اسم و نامش چیز دیگری است. کتب طب حکمای ما هم اکنون در هند و پاکستان تدریس می شود ولی اسمش طب یونانی است. عنوان طب یونانی کاملاً معمول بوده و بر روی دانشکده ها، عطاری ها و حتی بروشورهای دارویی آنها به چشم می خورد.

اما این همه ی ماجرا نیست. کمکاری و فراموشی ما در گذشته باعث شده تا امروز بعضی کشورها جسارت کرده نه تنها طب بوعلی و رازی و جرجانی را ایرانی نمی دانند بلکه طبای ما را نیز به نام طبای عرب معرفی می کنند. در ۲۰ بهمن ۱۳۸۸ در خبرها آمده بود:

«نخستین روایات با چهره ی ابوعلی سینا ساخته شده در امارات متحده عربی در حرکتی نمایشی از امیرنشین دبئی به عربستان سفر کرد. به گزارش اینستاگرام دبئی، تلاش کشورهای عربی با هدف معرفی ابوعلی سینا به عنوان دانشمند عرب در چند سال گذشته شدت یافته است. در این راستا، امارات اقدام به ساخت روایاتی با چهره ی این دانشمند ایرانی کرده است. روز گذشته، در حرکتی نمایشی این روایات با پرواز شرکت هواپیمایی الامارات از دبئی به عربستان فرستاده شد تا این دانشمند ایرانی به عنوان دانشمند عرب معرفی شود. در این سفر، روایات ابوعلی سینا با مسافران گفت و گو نیز می کرد»

شایسته بود و هست که مسئولین فرهنگی و نیز وزارت بهداشت ما در برابر این قبیل حرکات سکوت نکرده و برای شخصیتها و افتخارهای علمی کشور حداقل به اندازه ی جزایر سه گانه و خلیج فارس اهمیت قائل شوند.

قصد ما از تالیف این کتاب، ارائه ی مدارک و اطلاعات صحیح به مخاطب جهت مبارزه با تلاش آشکار و پنهانی است که استعمارگران

جهت مصادره‌ی طب سنتی ایران به نام طب یونانی و طب عرب به عمل می‌آورند.

البته قصه‌ی پر غصه‌ی طب سنتی ایران، تنها به حملات خارجی ختم نمی‌شود بلکه از داخل هم آن را می‌نوازند. به عنوان مثال به تازگی با کتابی مواجه شدیم با عنوان «سلامت مردم در ایران قاجار» که نوشته‌ی یک نویسنده هلندی به نام «ویلم فلور» است. که در سال ۱۳۸۶ توسط انتشارات دانشگاه علوم پزشکی بوشهر و دانشگاه علوم پزشکی تهران به چاپ رسیده و انتشاری وسیع یافته است. نویسنده متولد ۱۹۴۲ است و از سال ۱۹۸۳ تا ۲۰۰۲ کارشناس انرژی در بانک جهانی بوده است! آنچه تعجب ما را بیشتر می‌کند این است که در پشت جلد کتاب آرم «مرکز تحقیقات تاریخ و اخلاق پزشکی دانشگاه علوم پزشکی تهران» و «دانشگاه علوم پزشکی بوشهر» به چشم می‌خورد که حاکی از همکاری آنها در تهیه این کتاب می‌باشد!

کتاب حاوی مطالب و ادعاهایی گزاف و غیر واقعی از طب اسلامی و سنتی است و چنان در این مورد به سیاه نمایی پرداخته که خواننده را به این نتیجه می‌رساند که منشاء مشکلات بهداشتی و شیوع بیماری‌ها در دوران قاجار تبعیت مردم از طب سنتی بوده است و فراتر از آن معضلات اجتماعی و مشکلات ناشی از بی‌کفایتی شاهان وقت، همه به طب سنتی نسبت داده شده است. به عنوان مثال در ابتدای فصل نهم کتاب با عنوان «پیشرفت طب مدرن» آمده است:

«در صفحات قبلی نشان داده ام که مردم قاجار، از گستره ی وسیعی از بیماری ها در رنج بودند و زیر ساخت های سنتی موجود، درمان های ناچیزی را ارائه می دادند. علت وجود این مصیبت طبی، نبود بهسازی و عدم بهداشت و شرایط فردی ای بود که مردم در آن زندگی می کردند و از شیوه ی اجتماعی و چگونگی لباس پوشیدن آنها منشاء می گرفت. دلیل دیگر آن بود که سیستم رایج پزشکی که در خدمت مردم ایران بود نمی توانست به صورت علمی در مورد بیماری ها توضیحی قابل قبول عنوان کند، و بنابراین نمی توانست روش های مؤثری برای پیشگیری از آنها ارائه کند با وجود تلاش های پیشگیرانه، اگر کسی بیمار می شد، در مورد چگونگی درمان آن اطلاعی نبود. طب جادویی فولکلوریک و طب النبی، هر دو هر چیز را به ملکوت و عوامل ماوراءالطبیعی (هم بیماری و هم درمان) نسبت می دادند. طب جالینوسی- اسلامی که بیماری را به عدم تعادل سیستمی اخلاط ارتباط می داد، هر چند به تنهایی مؤثر بود، اما توضیح کافی ای از درمان گستره ی وسیعی از الگوهای بیماری ها ارائه نمی داد. فرا رسیدن طب مدرن غربی، جایگزینی دیگر را به سیستم طبی موجود ارائه داد و تدریجاً ثابت کرد که از سیستم های طبی ایرانی سنتی متداول، سودمندتر است.»

ملاحظه می فرمایید که طبق ادعای نویسنده مردم ایران در فلاکت کامل به سر برده و در پیشگیری و درمان به جادوگری روی آورده

بودند که طب غربی به یکبار از راه رسیده و فرشته ی نجات آنان شده است !

و در این میان آوردن واژه ی طب النبى در کنار جادوگری بسیار توهین آمیز و قابل تامل است.

ما در کتابی که پیش رو دارید با ارائه دهها مدرک متقن و با استناد به اعترافات مورخین صاحب نام غربی و پزشکانی که خود از طبیبان دربار قاجار بوده اند دروغ بودن این سخنان را اثبات کرده ایم به گونه ای که هر فرد منصفی به راحتی قادر خواهد بود تا بر توانایی ها و برتری های طب سنتی مهر تایید زند.

و اما اینجا چند سوال و ابهام جدی طرح است :

□ چرا مراکز دانشگاهی وابسته به وزارت بهداشت، از

میان دهها کتاب و سند تاریخی که همگی در برابر

قابلیت های طب سنتی سر تعظیم فرود آورده اند به

یکباره به سراغ این کتاب رفته و در ترجمه و تبلیغ و

توزیع آن کوشیده اند؟

□ چرا کلام مورخین صاحب نامی که معاصر با دوران

قاجار و بعضا پزشک دربار بوده و به طور مستقیم

شاهد وقایع بوده اند رها شده و برای سخن نویسنده

ای که در آن دوران هنوز متولد نشده بوده و شغل

اصلی اش هم کارشناس انرژی در بانک جهانی بوده، اهمیت قائل شده اند؟

□ چه اصرار یا ضرورتی بوده که این کتاب در کتابخانه های دانشکده های پزشکی از بوشهر گرفته تا گناباد توزیع شود؟ (با مراجعه به سایت کتابخانه ها نام این کتاب را در میان تازه های کتاب خواهید دید)

□ چرا نسخه تمام و کمال این کتاب تهیه و در اینترنت برای مطالعه عموم قرار داده شده است؟

آیا هدف، آن نبوده که با سلاح تحریف به جنگ حقایق تاریخی بروند و طب سنتی را که در سال های اخیر تلاش هایی برای احیاء آن صورت گرفته، ناکارآمد جلوه دهند؟ آیا حق نداریم بدبین بشویم که با این حرکت بدعت آمیز خواسته اند، اشتیاق و حرارت پزشکان جوان و مردم برای رویکرد مجدد به سنت درمانی دانشمندانشان را به خاموشی بکشانند؟

«ما أحدث بدعة إلا ترك بها سنة، فاتقوا البدع والزموا المصالح، إن عوازم الأمور أفضلهما، وإن محدثاتها شرارها»

«هیچ بدعتی پیدا نمی شود مگر اینکه سنتی ترک گردد پس از بدعت ها پرهیزید و ملازم راه راست و جاده آشکار حق باشید. نیکوترین کارها سنتی است که سالیانی بر آن گذشته و درستی آن ثابت شده باشد و بدترین کارها آن است که تازه پیدا شده»

(نهج البلاغه خطبه ۱۴۵)

به راستی کدام یک از سنت های ایرانی به اندازه طب آن قدمت دارد و درستی آن در طول تاریخ ثابت شده است؟
از خداوند متعال می خواهیم که طب اسلامی و سنتی مان را از شر دشمنان دانا و دوستان نادان در امان دارد و مردم ما را هرچه بیشتر از ثمرات شیرین آن برخوردار نماید.

والسلام

۹۰/۵/۲۰

گفتار اول:

چرا آگاهی از تاریخ طب ضروری است؟

امیر مومنان علی ابن ابیطالب علیه السلام در مورد ضرورت آموختن از تاریخ می فرمایند:

«أَيُّ بَنِي، إِنِّي - وَإِنْ لَمْ أَكُنْ عُمرْتُ عُمرَ مَنْ كَانَ قَبْلِي - فَقَدْ نَظَرْتُ فِي أَعْمَالِهِمْ، وَفَكَّرْتُ فِي أَخْبَارِهِمْ، وَسِرِّ فِي آثَارِهِمْ، حَتَّى عُدْتُ كَأَحَدِهِمْ، بَلْ كَأَنِّي - بِمَا آتَنِي إِلَى مَنِ أُمُورِهِمْ - قَدْ عُمرْتُ مَعَ أَوْلَاهُمْ إِلَى آخِرِهِمْ، فَعَرَفْتُ صَفْوَ ذَلِكَ مَنِ كَدَّرَهُ، وَنَفْعَهُ مَنِ ضَرَّرَهُ فَاسْتَخْلَصْتُ لَكَ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ نَخِيلَهُ، وَتَوَخَّيْتُ لَكَ حِمْلَهُ، وَصَرَفْتُ عَنْكَ مَجْهُولَهُ...»

«پسرم درست است که من به اندازه ی پیشینیان عمر نکردم اما در کردار آنها نظر افکندم و در اخبارشان اندیشیدم و در آثارشان سیر کردم تا آنجا که گویا یکی از آنان شده ام بلکه با مطالعه ی تاریخ آنان گویا از اول تا پایان عمرشان با آنان بوده ام. پس قسمتهای روشن و شیرین زندگیشان را از دوران تیرگی شناختم و زندگانی سودمند آنان را با دوران زیانبارش شناسایی

کردم سپس از هر چیزی مهم و ارزشمند آن را و از هر حادثه ای زیبا و شیرین آن را برای تو برگزیدم و ناشناخته های آنان را دور کردم»

(نهج البلاغه نامه ۳۱)

و فرمودند راه استدلال در مورد آینده و انتخاب مسیر درست، دقت در حوادث گذشته و عبرت گرفتن از آن است :

«استدل علی ما لم یکن بما قد کان فان الامور اشباه»
 «بر پایه ی رویدادهای تاریخی گذشته، در مورد آینده استدلال کن، چرا که جریانهای تاریخی همانند یکدیگرند».

(نهج البلاغه نامه ۳۱)

«و لو اعتبرت بما مضی حفظ ما بقی»
 «اگر با چشم عبرت به تاریخ بنگری با جمع بندی درست عبرتهای گذشته، آیندهات را پاس خواهی داشت»

(نهج البلاغه نامه ۴۹)

انسان وقتی به گذشته ی خود و مسیری که طی کرده است می نگرد، بهتر می تواند قضاوت کند که آیا راه را صحیح آمده است یا خیر زیرا قادر است تا موقعیت فعلی خود را با موقعیت قبلی اش مقایسه کند.

از آنجا که کاخ رفیع علم ناگهانی ساخته و پرداخته نشده بلکه خشت‌های اول آن را گذشتگان بنا گذاشته و در هر دوره‌ای جزیی بر آن افزوده اند تا به شکل امروز در آمده است، اگر بخواهیم ارزش هر علمی را کاملاً بشناسیم، چاره‌ای نداریم جز آنکه به گذشته رجوع کرده، عقاید جدید و قدیم را با هم مقایسه کنیم تا معلوم شود خشت‌های اول این بنا را چگونه کار نهاده‌اند.

هرچه دیوار کج بلندتر شود، کجی آن آشکارتر می‌شود. به نظر می‌رسد که امروزه، با رفیع شدن بنای پزشکی، انحراف آن از مسیر طبیعی واضح‌تر شده و کار به جایی رسیده که هرچه پزشکان و دانشمندان در نقش و نگار ایوان این بنا می‌کوشند، نمی‌توانند ویرانی پای‌بست آن را از نظرها پنهان کنند منتهی برخی جلوه‌های کاذب از پیشرفت‌های پزشکی، چنان چشم‌ها را خیره کرده که کمتر کسی این فکر را به ذهن خود راه می‌دهد که مبدا مسیر طی شده غلط باشد. آگاهی از سیر تاریخی طب باعث می‌شود تا دست از خوش‌باوری‌ها برداشته، به قضاوت صحیحی در این مورد دست یابیم.

روشن است که در این کتاب قصد نداریم تا تاریخ طب را همراه با جزئیات آن به طور کامل بیان کنیم. این کار قبلاً توسط تاریخ نویسان انجام شده و تکرار آن در اینجا نه تنها لازم نیست که ملال‌آور است بلکه همان طور که از عنوان کتاب مشخص می‌شود،

می‌خواهیم به بیان وقایع مهمی که در این مسیر رخ داده و کمتر کسی توجه کرده است پرداخته به نتیجه‌گیری از آنها پردازیم.

www.ketab.ir